

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وظایف معلم : فصل سوم

محسن قرائتی

# فصل سوم : وظایف معلم

۱ آغاز کار با نام خدای متعال

۲ عملی بودن درس ها

۳ شهادت در گفتن «نمیدانم»

۴ سنت پذیر و نوظیر بودن

۵ توجه به راه های دعوت

۶ توجه به رشد جامع

۷ پاسخ به شبهات

۸ ایجاد انگیزه

۹ هجرت

۱۰ آموختن از هر شخص یا هر چیزی

۱۱ تعلیم در هر زمان و مکان

۱۲ جبران ضعف ها

۱۳ همدردی

۱۴ ارتباط های خصوصی و چهره به چهره

۱۵ هدایت در گرایش و انتخاب رشته

۱۶ احترام به همکاران و پیشکسوتان

# فصل سوم : وظایف معلم

توطئه شناسی

۲۶

دشمن شناسی

۲۷

جدی گرفتن هشدارها

۲۸

سنجش مقدار تأثیر آموزش ها (خودآزمایی)

۲۹

استفاده از همه فرصت ها و ظرفیت ها

۳۰

رعایت استاندارد و تعلیم منطقی

۳۱

قالب سازی، نه قالب پذیر

۳۲

آشنایی با مشکلات دیگران

۳۳

آشنایی با فرهنگ و گویش مخاطبان

۳۴

نظرخواهی و مشورت

۱۷

دادن فرصت تحقیق به مخالف

۱۸

توجه به آثار جنبی رفتار

۱۹

سفارش دلسوزانه و استقبال از پیشنهادهای

۲۰

انتقادپذیری

۲۱

امیدوار و امیدبخش

۲۲

قاطعیت در راه حق و نترسیدن از سرزنش ها

۲۳

داشتن حکمت

۲۴

اهل ذکر باشد!

۲۵

کنکورسرا

## آغاز کار با نام خدای متعال

بسم الله نشانگر رنگ و صبغه الهی کار ما و بیانگر جهت گیری توحیدی ماست.

بسم الله رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز، **کفر** و قرین کردن نام خدا با نام دیگران، نشانه **شرک** خواهد بود.

بسم الله رمز بقا و دوام است؛ زیرا هر چه رنگ خدایی نداشته باشد، **فانی** است.

بسم الله رمز عشق به خدا و توکل به اوست. به کسی که رحمان و رحیم است عشق می ورزیم و کارمان را با توکل به او آغاز می کنیم.

بسم الله رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است.

بسم الله گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.

بسم الله موجب فرار شیطان است. کسی که خدا را به همراه داشته باشد، شیطان در او تأثیر نخواهد گذاشت.

ذکر بسم الله در آغاز کار و تدریس، بیانگر حقایقی خواهد بود

## آغاز کار با نام خدای متعال

بسم الله عامل قداست یافتن کارها و بیمه شدن آنهاست.

بسم الله ذکر خداست؛ یعنی خدایا من تو را فراموش نکرده ام.

بسم الله بیانگر انگیزه ماست؛ یعنی خدایا هدف من تنها تو هستی، نه مردم، نه طاغوت ها، نه جلوه ها و نه هوس ها.

امام رضا (ع)



کنکورسرا      بسم الله به اسم اعظم خدا، نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی آن است.

ذکر بسم الله در آغاز  
کار و تدریس، بیانگر  
حقایقی خواهد بود

## عملی بودن درس ها

درس عملی، عمیق تر از درس غیر عملی است.

به قول شاعر: دو صد گفته ، چون نیم کردار نیست.

امام صادق : با غیر زبان خود، مردم را دعوت نمایید

دعوت معلم باید عملی باشد.

قبل از اینکه مردم را به انجام کارهای خوب دستور دهد، خودش آن اعمال را انجام دهد.  
و قبل از نهی مردم از اعمال زشت و ناروا ، خودش آن اعمال را ترک کند.

رسولان الهی نیز چنین می کردند.

قَالَ يَا قَوْمِ ... مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ ...

حضرت شعیب :

ای قوم من ... و من نمی خواهم با آنچه شما را از آن نهی میکنم، مخالفت کنم و آن را مرتکب شوم.

خداوند متعال هنگامی که میخواهد فرمان صلوات بر پیغمبر را صادر کند، می فرماید:

من و ملائکه ام دائماً بر پیغمبر درود میفرستیم ← ای اهل ایمان ! شما هم بر او صلوات بفرستید.

یعنی کسی که می خواهد دستوری بدهد، باید خودش قبلاً به آن عمل کرده باشد.

چرا چیزی به زبان می گوید که در مقام عمل خلاف آن می کنید

لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ

چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می دهید و خود را فراموش می کنید

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ

## عملی بودن درس ها

تقیّد به احکام الهی و مسائل معنوی، پیش دستی در سلام کردن، رعایت نظم، تواضع، احترام به پیشکسوتان تعلیم و تربیت، پرهیز از خودستایی و... بر دانشجو و متعلّم تأثیر می گذارد؛

آنگونه که رفتار و گفتار منفی معلم، تأثیر سوء خواهد گذشت.

هر چه جایگاه اجتماعی معلم بالاتر باشد، تأثیر گذاری اش بیشتر خواهد بود.

کنکورسرا    لذا قرآن کریم به زنان پیامبر اکرم که از موقعیت اجتماعی و مذهبی بالایی برخوردار بودند میفرماید:

ای زنان پیامبر! حساب شما از سایر زنان جداست. اگر هریک از شما خلافی انجام دهد، دو برابر دیگران کیفر خواهد دید؛ همانگونه که هریک از شما که در برابر خداوند تعالی و پیامبرش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، از پادش دو برابر برخوردار خواهد بود.

معلم موفق، امام و رهبر و الگوی دیگران است؛ لذا اعمال او بسیار تأثیر گذار است.

و باید در همه کارها پیشگام باشد و قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خود پردازد.

امام علی  
(ع)

بر هر کسی که خود را امام و پیشوا قرار داده، لازم است که قبل از تعلیم دیگران، خود را آموزش بدهد و تأدیب او به رفتارش باشد؛ قبل از آنکه به زبانش باشد.

## شهامت در گفتن نمی دانم

یکی از کارهای خوب معلم و مربی، بلکه هر انسانی، آن است که اگر چیزی را نمیداند، با کمال صراحت و صداقت بگوید: نمیدانم.



گفتند: منزهی تو، ما نمی دانیم جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی، که تویی دانا و حکیم. قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا



بگو: من خود ندانم که عذاب موعود شما وقتش نزدیک است یا خدا تا آن روز مدتی (بسیار) قرار داده. قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرِبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا

است.

در این باره به من وحی نشده است، صبر کنید تا حکم خدا ابلاغ شود.

فرشتگان خطاب به خداوند

خداوند خطاب به پیامبر

پیامبر خطاب به مردم

این روحیه در هر شغلی برکات فراوانی به همراه خواهد داشت.



حضرت موسی اذعان کرد به تنهایی توان هدایت فرعون را ندارد:

وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي \* هَرُونَ أَخِي \* أَشَدُّ بِهِ أَزْرِي \* وَأَشْرِكُ فِي أَمْرِي

امام علی (ع)

گفتنِ نمیدانم نصف علم است

قول لا أعلم نصف العلم

نشانه بر خور داری او از نصف علم است.

اینکه کسی ندانسته جواب بدهد، نشانه جهالت اوست؛ اما اینکه به راحتی و راستی بگوید: نمی دانم

معلم صداقت خود را با نمیدانم به رخ میکشد.

جلب اعتماد مخاطبان

معلم را در نگاه مخاطب محبوب میکند.

با جواب بی اساس و حرف بی دلیل، ذهن مخاطب را آشفته نمی کند.

سلامت محیط آموزشی را بالا میبرد.

اثرات به کار  
بردن کلمه  
نمی دانم



## سنت پذیر و نو پذیر بودن

علم زمانی کامل است که هم وصل به تاریخ کهن باشد و هم پویا و بهروز؛ بنابراین معلم باید هم از آداب به خوبی پیروی کند و هم تجدیدپذیر باشد.

قرآن کریم

از سویی خودش را «حدیث» یعنی «سخن جدید» میخواند.

از سوی دیگر، خود را وصل به تاریخ کهن می داند.

آنچه در آیاتش آمده است، در کتب انبیای دیگر هم آمده بود.

خداوند خطاب به پیامبر

فَبِهَدَاهُمْ أَفْتَدِهِ

راه خوب انبیای پیشین را ادامه بده و سنت آنان را بپذیر.

با همسر پسر خوانده خودت، بعد از طلاق، ازدواج کن تا سنت غلط جاهلی را مبنی بر اینکه انسان مجاز نیست با زن پسر خوانده اش ازدواج کند در عمل بشکن.

نه سنت گرایی  
اصل است، نه  
سنت شکنی

باید هر کار خیری را از نیاکان دنبال کرد و هر کار غلطی را اگرچه سنت نیاکان باشد کنار گذاشت.

باید علاوه بر بهره گیری از تجارب علمی گذشتگان، نوگرایی داشت.

گاهی پس از تأمل و تحقیق و مشورت با صاحبان تجربه، برداشت های نو و تازه ای در عرصه علم پدید آورد و گاهی علوم گذشته را که با زحمات فراوان گذشتگان به دست آمده است به پیش هدایت کرد.

واضح است که نوگرایی به معنای تزریق مفاهیم و برداشت های تازه و تأیید شده توسط صاحبان تجربه و علم است؛ وگرنه صرف نوگرایی، بدون پشتوانه تحقیق و تأیید علما و دانشمندان، ارزشی ندارد.

مهم این است که فرد عالم، بر دیدگاه گذشتگان غیر معصوم تعصب نداشته باشد و راه اندیشه های تازه و نو را مسدود ندهد؛ بلکه در کنار بهره گیری از سفره گسترده علوم گذشتگان، کشف ها و برداشت های جدید علمی را هم بپذیرد.

## توجه به راه های دعوت

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

ای پیامبر! مردم را با حکمت و گفتار استوار و منطقی و پند نیکو، به راه پروردگارت بخوان و با مخالفان به شیوه ای که نیکوتر است جدال و گفتگو کن. همانا پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده آگاه تراست و او هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.

این آیه و آیات بعدش به همه مسئولین، مربیان، معلمان، اساتید و علما یک دستور جامع می دهد.

و آن اینکه باید خود را با شیوه های گوناگونی از برخورد با مخاطبان گوناگون مجهز کنند.

چراکه نمی توان همه مردم را با یک شیوه به راه راست دعوت کرد . هر شخص یک روح و ظرفیتی دارد و باید با زبان خودش با او سخن گفت. باید خواص را با حکمت و استدلال، عوام را با موعظه نیکو، و مخالفان را با جدال نیکوتر ارشاد کنیم.

از این آیه تا آخر سوره نحل، ده دستور جالب اخلاقی برای برخورد مطرح شده است.

موعظه نیکو آن است که واعظ به آنچه می گوید عمل کند و جدال نیکو آن است که در آن، توهین یا تحریک غلط احساسات نباشد.

**کنکور سرا** از آنجا که ممکن است موعظه و جدال با شیوه خوب یا شیوه بد همراه باشند، موعظه با کلمه حسن و جدال با کلمه احسن آمده؛ وگرنه منطق و حکمت دو نوع نیست، بلکه یک نوع است و آن هم با نیکوی است

جدال احسن ←

اسلام با مخالفان خود برخورد منطقی دارد :

حکمت ←

اسلام به طرفداران خود هم غذای فکری می دهد :

ظرفیت و سطح مخاطب ←

معلم باید با توجه به این موارد روش دعوت را انتخاب کند:

موعظه حسنه ←

اسلام به طرفداران خود هم غذای روحی می دهد :

## توجه به رشد جامع

بلکه باید رشد جامع مخاطب را مدنظر داشته باشند.

استاد و مربی، تنها مسئول توسعه و رشد علمی مخاطب یا رشد جسمی و تربیت با دنیا و یا جمع آوری نظرات دانشمندان شرق و غرب در زمینه های مختلف نیستند.

یعنی اگر به علم او می افزایند، بصیرت او را هم ارتقا دهند؛ اگر به مدرک و درس او فکر می کنند، به قدرت تشخیص و بینش و موضع گیری های سیاسی او نیز بیفزایند.

استاد باید باور کند و به شاگردان خود بیاموزد که هم باید از پیشرفت های علمی و تجارب دیگر کشورها استفاده کرد و هم به صورت جدی مراقب بیگانگان بود و فریب آنان را نخورد.

چراکه به تعبیر قرآن کریم تا پیرو دین و آئین دشمنان نشویم، از ما راضی نخواهند شد.

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ

به انسان، رشد جامع می دهد. کنکورسرا

اگر به نماز دعوت می کند، به برائت از مشرکین هم دعوت می کند.

اگر به تقوی دعوت می کند، به رسیدگی به فقرا هم دعوت می کند.

استاد و معلم نیز باید به رشد جامع فکر کنند.

قرآن که یهدی الی الرشد است:



## پاسخ به شبهات

کنکورسرا

یکی از وظایف استاد و معلم آن است که برای شبهات جدید، پاسخ منطقی داشته باشد.

اساتید علوم دینی و معارف باید در کنار مباحث اصلی خود، نیم نگاهی به شبهات روز داشته باشند و نگذارند که شبهه ها چون موریانه ای، به پایه های فکری دانش پژوهان و مخاطبان آسیب بزند

البته باید به این نکته توجه داشت که تنها شبهات جدی و اساسی که عمومی و فراگیر شده اند نیاز به پاسخ دارند.

نباید با طرح برخی شبهات بی اساس، به ترویج آنها کمک کرد و ذهن دانش پژوهان را بیهوده با آنها درگیر نمود.

ضمن اینکه استاد و معلم باید به اصل شبهه احاطه داشته باشند و در پاسخگویی چنان دقیق عمل کنند که آن را از ذهن ها بزدایند؛ و گرنه به جای نفی شبهه، آن را در ذهن مخاطب تثبیت می کنند.



# ایجاد انگیزه

استاد و مربی باید قبل از تعلیم درس، نقش و اهمیت آن درس و آثار فردی و اجتماعی آن را بیان کنند.

و افرادی را که در آن رشته متخصص شده و بخشی از مشکلات جامعه را حل کرده اند، به عنوان نمونه مطرح کنند تا شاگرد به آن درس احساس نیاز کند.

قرآن کریم برخلاف کتب قوانین، به همراه بیان مقررات و دستورات شرعی، انگیزه و حساسیت نیز ایجاد می کند.

برخی از آیات پاسخ سؤالاتی هستند که مردم از پیامبر می پرسیدند.

گاهی لا به لای قصه ها مطالبی را می فرماید.

گاهی افراد را مخاطب قرار می دهد و گاهی مخاطبان خود را تغییر می دهد.

گاهی با بیان پاداش، ایجاد انگیزه می کند.

گاهی برای بیان اهمیت دستور یا ایجاد انگیزه شخص اول را مورد خطاب قرار می دهد.

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ ←

گاهی با حروف مقطعه، به انسان تلنگر می زند.

گاهی ضمن طرح سؤال، مطالبی را بیان می کند.

گاهی با قسم و گاهی با بیان شأن نزول، بحث را طرح می کند.

گاهی با مقایسه دو فرد یا دو مطلب، موضوعی را شفاف و برجسته می کند.

گاهی به منظور ایجاد انگیزه برای انفاق، مسئله معاد و قیامت را مطرح می کند.

گاهی با تکرار کلمه ای در مخاطب ایجاد حساسیت می کند و... .

← عشق شاگردان را به تحصیل زیاد خواهند کرد.

← و آنها را قدردان، با انگیزه و صرفه جو خواهند ساخت.

اگر اساتید ضمن بیان مطالبی برای شاگردان توضیح دهند که چه دانشمندانی عمر خود را صرف کرده اند و چه بودجه هایی صرف تحصیل و تدریس شده است تا این مطلب اثبات شود یا این آموزش ها چه برکاتی دارد و ندانستن آنها چه ضررهایی خواهد داشت:

# هجرت

بخش بزرگی از معلومات، حاصل هجرت عده ای به مراکز علمی یا به سوی افراد دانشمند است.

قرآن و روایات در این زمینه سفارش بسیاری کرده اند

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا

بیشتر بلاهای ما از غرق شدن در رفاه و ترک هجرت های سازنده سرچشمه می گیرد.

اگر همه متخصصان و کارشناسان مسلمانی که در کشورهای غربی هستند، به کشور خود هجرت کنند:

ضربه به دشمن

تقویت اسلام

هجرت، اختصاص به پیامبر اکرم ندارد.

بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه، برای حفظ دین و ایمان یا برای دوری از نافرمانی خداوند، بر هر مسلمانی لازم است

خداوند در پاسخ کسانی که زندگی در محیط ناسالم را عذر آلودگی خود و ارتکاب به گناه می خواندند می گفتند:

كُنَّا مُسْتَضَعِّفِينَ فِي الْأَرْضِ

فرموده است:

کنکورسرا

أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَأَسِعَتْ فِتْهَاجِرُوا فِيهَا

امام صادق (ع) ← ذَا عَصِيَّ اللَّهِ فِي أَرْضٍ أَنْتَ فِيهَا فَاحْرُجْ مِنْهَا إِلَىٰ غَيْرِهَا

هجرت علاوه بر آموختن علم و دانش، برای بیان آموخته های خود به دیگران نیز لازم است:

اگر در محل و سرزمینی که در آن زندگی می کنی، نافرمانی و معصیت خدا می کنی، از آنجا به جایی دیگر هجرت کن

فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ

پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین فقیه شوند و هنگامی که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنان را بیم دهند تا شاید آنان از گناه و طغیان حذر کنند.

# هجرت

قرآن بارها به سفرهای علمی و تجربی با دستور (سیروا فی الارض) سفارش کرده است. و کسانی را که هجرت نمی کنند، با جمله (افلّم یسروا) توبیخ نموده است. اگر این فرمان خدا عملی شود، دیگر منطقه ای بدون استاد و روحانی نخواهیم داشت.

کنکورسرا

این استدلال ها برای فرار از مسؤلیت هجرت کافی نیست.

زیرا همین که دستوری بر انسان واجب شد، باید آنقدر تلاش کند تا مطمئن شود که به آن دستور عمل کرده است. به اصطلاح علما، اشتغال یقینی، برائت یقینی لازم دارد.

مراکز علمی قداست دارد.

من به اینجا عادت کرده ام.

نسل من در اینجا مستقر شده اند.

اگر مرا دعوت کنند می روم.

گاهی رفته ام.

چراکه علیرغم داشتن امکانات و رفاه، به خاطر مردم سفرهای زیادی کرد و خدمات تاریخی بسیاری از خود به جای گذاشت.

زیرا قرآن از ذوالقرنین به این دلیل ستایش کرده است

ضمناً نباید فقط نیاز مادی، ما را به هجرت وا دارد؛

همانا ما در زمین به او (ذوالقرنین) قدرت دادیم و از هر چیزی وسیله ای به او عطا کردیم.

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

قرآن در بی نیازی ذوالقرنین می فرماید:

ارزش آن است که به مناطق محروم و مظلوم و بی سواد که از جهات فرهنگی ضعیف اند برویم. چنانکه قرآن میفرماید ذوالقرنین به مناطقی میرفت که مردم آن هیچ نمیدانستند.

قرآن کریم، سه مرتبه با عبارت (ثم اتبع سببا) به هجرت های او اشاره کرده است.

مَطْلَعِ الشَّمْسِ

مَغْرِبِ الشَّمْسِ

هجرت او منطقه خاصی نداشت: هم غرب و هم شرق

هجرت های  
ذو القرنین

او هم از خود کار می کشید و هم دیگران را به کار می گرفت.

لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

اگر مدیریت قوی باشد، حتی از مردم بی فرهنگ هم آثاری تاریخی و مفید و محکم و ماندگار به جای میماند.

هم مشکلات مادی مردم را رفع می کرد (ساخت سد در برابر مفسدین) و هم مردم را به مبدأ و معاد توجه میداد.

## آموختن از هر شخص یا چیزی

معلم واقعی، خود یک محصل و دانشجوی واقعی است .

و بدون اینکه برای او عار باشد

از هر شخص یا هر چیزی که بتواند نکته ای بیاموزد، استفاده می کند و هر روز بار معلومات خود را می افزاید.

داستان حضرت سلیمان و آموختن او از یک پرنده به نام هدهد، این پیام را میدهد :

ممکن است پرنده کوچکی در حال پرواز مطلبی را بفهمد که پیامبری مثل سلیمان آن را نفهمد.

این داستان، درس بزرگی برای همه معلمان است و به آنها می آموزد که برای آموختن حتما نباید به دنبال استاد مطرحی رفت.

یا اینکه حضرت موسی برای شاگردی نزد حضرت خضر رفت و با او همسفر شد و از هر اتفاقی که در آن سفر زمینی و دریایی افتاد، درسی آموخت

البته، شاگردی کردن هم راه و روشی دارد

چنان چه حضرت موسی به حضرت خضر عرضه داشت:

کنکورسرا

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رَشْدًا

موسی به او (خضر) گفت: آیا اجازه می دهی در پی تو بیایم تا از آنچه برای رشد و کمال به تو آموخته اند، به من بیاموزی؟

در این جملات کوتاه جلوه های متعددی از ادب و تواضع در مقابل استاد دیده می شود.



## تعلیم در هر زمان و مکان

اگر معلم قوی باشد، میتواند از هیچ، همه چیز بسازد.

جای تعلیم و تربیت، فقط کلاس و جلسات رسمی نیست.

اتفاقا در سایر مواقع، به ویژه در مواقع حساس و خاطره انگیز، گفتن نکته و مطلبی میتواند اثر فوق العاده ای بر مخاطب بگذارد.

این رقم کلاس داری بدون هیچگونه وسایل کمک آموزشی، در اذهان باقی می ماند؛ در حالیکه بسیاری از کلاس های پیچیده و فنی نمیتوانند چنین تأثیری داشته باشند.

ایام فراغت اصحاب را پر کرد.

صحنه ای به یادماندنی ایجاد کرد.

در صحرا کلاسی عمومی برپا کرد که در آن، نکات آموزشی و تربیتی تعلیم داد.

غرور پیروزی را در اصحاب خود کنترل کرد و این پیام را به آنان منتقل ساخت: پیروزی در جنگ، به معنای بی عیب بودن و گناه نداشتن نیست.

به اصحاب فهماند که اگر متحد شوند، به چشم می آیند؛ ولی اگر متفرق شوند، به چشم نمی آیند. آن هیزم ها تا وقتی که پراکنده بودند به چشم نمی آمدند، اما پس از جمع شدن، هویت پیدا کردند

کنکور سرا

مسلمانان در بازگشت از یکی از جنگ های گاه در آن پیروز شده بودند، به بیابانی رسیدند.

پیامبر به مسلمانان دستور دادند که هیزم جمع کنند.

اصحاب گفتند: در این بیابان هیزمی نیست.

حضرت فرمودند: شما تفحص کنید و هر چه خار و خاشاک یافتید بیاورید.

دستور عملی شد و مسلمانان توانستند هیزم قابل توجهی جمع کنند.

سپس پیامبر فرمودند: هکذا تجتمع الذنوب، ایاکم و المحقرات من الذنوب؛

گناهان اینگونه جمع می شوند، پس از گناهان کوچک پرهیز کنید.

در این ماجرا، این مری اعظم، از هیچ نمایشی ساخت که با آن :

## جبران ضعف‌ها

**کنکورسرا** در مبحث صفات معلم و ذیل عنوان (برخورد صمیمی و بامحبت) نکاتی را بیان نمودیم. در اینجا به یکی از باید‌های مهم معلمی اشاره خواهیم کرد.

قرآن محبت را در مسائل تربیتی اصل می‌داند

لذا می‌گوید:

الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ

نمی‌گوید:

الحی القيوم، عَلَّمَ الْقُرْآنَ

القادر المتعال، عَلَّمَ الْقُرْآنَ

یعنی نزدیکترین صفت به معلمی، رحمت و محبت است.

گاهی در آموزش، ضعف‌ها و چالش‌ها و مناقشاتی پیدا می‌شود و چه بسا استادی، از محور عدالت و انصاف و محبت خارج شود و گفتار و رفتاری نامناسب با شاگردان داشته باشد.

استاد و مربی خوب، آن است که سریع مشکل را برطرف کند و با محبت و ملاحظت، از شاگردانش دلجویی نماید.

در این خصوص، از معلمان بزرگ خاطراتی نقل شده که درس آموز است. مثلاً از آیت الله العظمی بروجردی که استاد مراجع بود، نقل شده است که روزی طلبه‌ای در مسیر راه از ایشان کمکی خواست. ایشان فرمود: صبر کن بروم درس و برگردم. آن طلبه هم همراه ایشان رفت و پای درس ایشان نشست.

در حین درس، طلبه فقیر برای طرح سؤالی اجازه خواست. آیت الله العظمی بروجردی خیال کرد که او باز میخواهد درخواست نیاز کند؛ لذا به او تند شد و گفت: «گفتم بعد از درس در خانه!!»

آیت الله العظمی صافی به آقای بروجردی گفت: ایشان تقاضای کمک نکرد؛ بلکه در مورد بحث سؤالی داشت.

همین که ایشان فهمید تندی بیجایی کرده است، در برابر همه شاگردان و علما و مراجع، دست آن طلبه را بوسید.

در کجای دنیا استاد در برابر تندی نابجا، این گونه از شاگرد خود عذرخواهی می‌کند؟

کنکورسرا

## همدردی

یکی از وظایف مهم اساتید و معلمان، **همدردی** با شاگردان و متعلمان است؛

همدردی معلم، سبب تسکین دردها و مصائب و مشکلات دانش پژوهان، و سبب جلب محبت آنها می شود.

از آنجا که اسلام آیین فطرت است و انسان فطرتاً از زینت لذت می برد، لذا در احکام به استفاده معقول از زینت سفارش شده است. خداوند تعالی زیبایی و زینت را دوست دارد.

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَىٰ عَبْدِهِ

اگرچه استفاده از زینت و طعام، امری فطری و طبیعی است، ولی باید با نیازمندان و محرومان نیز همدردی کرد.

با نکته ای که بیان کردیم، این مطلب برای ما روشن می شود که اگرچه تمیزی و آراستگی امر مهمی است، اما توجه به مخاطبان و وضعیت اقتصادی آنان نیز اهمیت دارد.

بهتر است که در مناطق محروم از پوشش متوسط استفاده کنیم.

امام علی در عصری زندگی می کردند که اکثر مردم فقیر و نदार بودند؛ اما مردم عصر امام صادق در رفاه نسبی بهسر می بردند. لذا نوع لباس امام صادق با لباس امام علی متفاوت بود، چون شرایط اجتماعی هر کدام فرق داشت. همراهی و همدردی با مردم در سیره معصومین جایگاه برجسته ای دارد.

مانند داستان امام خمینی در پاریس

در سیره علمای دینی نیز توجه به همدردی بسیار به چشم می خورد و آن بزرگواران از تأثیرگذاری این روحیه بر مخاطبان خود هم غافل نبودند.

مانند معلم مریوانی که سر خود را بخاطر دانش آموز سرطانی تراشید

هر معلمی به اندازه وضع خود میتواند با شاگردان و مخاطبانش همدردی کند و با این خصلت زیبا، دلها را رهبری نماید.

## ارتباط خصوصی و چهره به چهره

کلاس های عمومی خوب است ؛

اما

مهمتر از آن، ارتباط های خصوصی است که می تواند در تربیت مخاطبین تأثیر ویژه داشته باشد.

یکی از بایدهای معلمی :

طرح نکات و مباحث عمومی

ارتباط های دو به دو

عدم غفلت از تأثیر ارتباط چهره به چهره

گاهی لازم است که معلم به صورت خصوصی شاگردی را به دفتر احضار و با او گفت و گو کند .

همان گونه که پیامبر علاوه بر سخنرانی عمومی و دعوت جمعی که به آن مأمور بودند.

پیامبر با خانواده خود، خصوصی صحبت می کردند و موظف بودند که آنان را به نماز دعوت کنند و به سایر احکام الهی فرا بخوانند.

## هدایت در گرایش و انتخاب رشته

تدریس و تربیتی موفق است که

نیاز فرد و جامعه را حل کند و خیر و برکات بیشتری داشته باشد.

باید آموخته های فرد، قابل انتقال به دیگران و کمک های امدادی او در دسترس باشد.

حضرت عیسی

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ

و هر جا که باشم خداوند مرا مایه برکت قرار داده است.

امام صادق (ع)

مبارک را به نفاعاً تفسیر کرده اند.

یعنی مبارک بودن حضرت عیسی به پرفایده بودن اوست.

با توجه به این اصل، مسئولین آموزشی و فرهنگی باید در سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و مهندسی های علمی، به منطقه و جامعه و نیازهای آن و نیز مقاومت در برابر انواع تهدیدها توجه داشته باشند.

معلمان و استادان نیز با همین نگاه، متعلمان را به رشته های مورد نیاز و گرایش های ضروری سوق بدهند و بدانند که از مسائلی که در تدریس و تربیت مهم است، حقگرای است؛

زیرا چه بسیارند کسانی که نیاز جامعه را تشخیص می دهند، ولی رشته تحصیلی خود را به خاطر تبلیغات، استقبال دیگران، احتمال در آمد بیشتر یا جایگاه اجتماعی بالاتر، براساس نیاز جامعه انتخاب نمیکنند.

قرآن کریم

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّيْ وَفُرَادَى

بگو: من شما را به یک سخن پند میدهم؛ برای خدا قیام کنید، دونفر دونفر و یک نفر یک نفر.

امام علی (ع)

أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ

ای مردم! در راه حق از کمی جمعیت نهراسید.

البته در تعیین گرایش های تحصیلی، هم باید به استعدادها توجه کرد و هم به نیازها و ضرورت ها؛ و نباید در انتخاب ها، نگاه غیر توحیدی داشت.

معلمان محترم باید با تبیین علمی و دقیق خود و بیان ضرورت ها و نیازها و فوائد رشته های مورد نیاز، مخاطبان خود را در خط صحیحی قرار دهند.



## احترام به همکاران و پیشکوتان

در قرآن آمده است که خداوند از همه انبیایی که دارای کتاب و حکمت بودند، پیمان گرفت که اگر بعد از شما پیامبری آمد، باید بدون ناراحتی و با عشق کامل به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید.

نماز به ما یاد داده است که روزی پنج مرتبه به هم افراد شایسته، خواه در گذشته و خواه در آینده، سلام کنیم:

کنکورسرا **السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين.**



إِنَّا قَبِلْنَا سَلَامًا سَلَامًا

در بهشت، همه به یکدیگر سلام می کنند.



كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا

دوزخیان یکدیگر را لعنت می کنند.



وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

قرآن کریم به همه انبیاء سلام داده است.



سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ

قرآن کریم به برخی انبیاء سلام ویژه داده است.



سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ

بنابراین احترام به سایرین و همکاران و همه امت، یک ارزش است و در فضای تعلیم و تربیت اهمیت بیشتری دارد.

احترام به دیگران، احترام به مقام علم و احترام به خودمان است؛ دیگران را بزرگ بشماریم و زحمات آنان را ببینیم تا دیگران هم زحمات و تلاش های ما را ببینند.

قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد که هرگاه مؤمن یا استاد یا عالمی وارد جلسه شد، به احترام او به پا خیزند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَسَبَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

امام هادی یک فقیه شیعه را در بهترین جای مجلس نشاند. این همه احترام، برای علویون و بنی هاشم گران آمد. بزرگ آنان زبان به اعتراض گشود که چرا چنین فردی را بر ما برتری دادی

تَفْسَحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ



يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ  
وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ



- انبیا
- مجاهدان
- نمازگزاران
- اهل انفاق
- مؤمنانی که عمل صالح انجام می دهند.
- دانشمندان

خداوند در قرآن برای چند گروه، جایگاه و درجات مخصوصی قرار داده است؛

## نظر خواهی و مشورت

فرمان مشورت در مورد کارهای اجتماعی است، نه فرمان های صریح خدا و پیامبر؛  
لذا در قرآن کلمه مشورت با کلمه امر آمده است:

و امرهم شوری بینهم

و شاورهم فی الامر

هرگز برای تعداد رکعات نماز، روزه ماه رمضان، سفر حج، مقدار خمس یا زکات مشورت نمیشود؛  
چون برای هر یک دستور صریحی در قرآن و حدیث آماده است.

کنکورسرا

ما حق مشورت در مورد نماز را نداریم

عهدالله

نماز

ما حق مشورت در مورد امامت را نداریم

عهدالله

امامت

خوب است که معلم و استاد در خصوص برخی اموردرسی یا مسائل و طرح ها مشورت  
کند؛ هم با شاگردان خود و هم با سایر استادان باتجربه

این کار، سبب می شود که اگر طرح مشکلی دارد رفع بشود یا اگر برای رسیدن به  
کمال مطلوبش نیازمند نقد است، نقادی و پس از تکمیل و اطمینان عرضه شود.

نظر خواهی و مشورت، فواید زیادی دارد که بر کسی پوشیده نیست.

با مشورت علم انسان اضافه می شود و دوست و دشمن از هم تمایز پیدا می کنند.

اگر موفق شویم حسودان ما کم می شوند؛ زیرا توفیق ما را به برکت مشورت با خودشان می دانند.

و اگر شکست بخوریم، غمخوار پیدا میکنیم؛ چون شکست ما را به خاطر مشورت با خودشان میدانند.

با مشورت، کارها پخته، تجربه ها منتقل و  
غرور افراد شکسته میشود.

حتی اگر عاقل ترین و عادل ترین افراد باشیم، از  
مشورت بی نیاز نیستیم.

در سیره پیامبر و اهل بیت بر مسئله  
مشورت تأکید شده است

لذا هیچ کس نباید خودش را بی نیاز از آن بداند.

وقتی خداوند به اشرف مخلوقات میگوید: با مردم  
مشورت کن؛ تکلیف باقی افراد معلوم است.

و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله  
ان الله یحب المتوکلین

این دستور، بعد از شکست در جنگ احد صادر شده است و آن شکست هم به خاطر نظر صحابه بود که گفتند به جای سنگرگیری  
در مدینه، به استقبال دشمن بارویم و به خاطر همین، به منطقه احد رفتند و در اثر نافرمانی و نزاع و سستی شکست خوردند.  
ولی قرآن با دستور به مشورت، این پیام را میدهد که نباید جامعه از برکات مشورت برای همیشه محروم بماند.

## دادن فرصت تحقیق به مخالف

کنکورسرا به افرادی که در صدد تحقیق اند، فرصت تحقیق و مطالعه بدهیم و آنان را طرد نکنیم.



وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ

آیه ششی  
سوره توبه

از این آیه شریفه می توان به این نکات پی برد:



حتی دشمن را نباید از رشد فکری بازداشت. در شرایط جنگی هم باید به رشد فکری افراد اهمیت داد.

راه تفکر و تعقل، حتی برای مشرکان مهدورالدم باز است و باید احتمال هدایت یک نفار را هم جدی گرفت.

مکتبی که منطق دارد، عجله نمیکند.

ایمان براساس فهم ارزش دارد؛ نه از روی ترس و اجبار.

کفر برخی از جهلشان سرچشمه می گیرد و اگر آگاه شوند، حق را می پذیرند: ذلک بانهم قوم لا يعلمون

باید امنیت افراد محقق را تضمین کرد: ابلاغه مامنه



## توجه به آثار جنبی رفتار

اگرچه برای آموزش برنامه های رسمی با متونی مشخص وجود دارد، ولی استادی موفق است که بتواند با مطالعات جانبی مرتبط و اطلاعات مناسب و بیان شیرین، کلاس خود را جدا بتر کند؛

چراکه گاهی بیان نکات جنبی و آثار گفتگوهای حاشیه ای از گفتگوهای رسمی بیشتر است؛ مثلاً گاهی گفتگوهای انسان با دوستانش، مهمتر از اصل مهمانی است.

توجه به امور جنبی، یکی از نکات مهم در کارهای آموزشی است؛ هم اهمیت دادن به نکات جنبی در آموزش که برکاتی دارد و هم توجه به رفتار و عمل که آثار و پیام های جنبی دارد.

بدگویی و غیبت، چند کلمه ای بیش نیست، ولی گاه باعث نابود شدن آبرویی می شود که شخصی در طول عمر به دست آورده، و این هشدار به همه، به ویژه به کسانی است که در عرصه تعلیم و تربیت تلاش میکنند.

گاهی آثار و برکات یا مشکلات جنبی یک عمل، مهمتر از خود آن است

در حدیث میخوانیم که انسان برای نماز به مسجد می رود، ولی هشت کمال جنبی در کنار ثواب نماز جماعت به دست می آورد.

قَوْلًا سَدِيدًا

یا در قرآن کریم میخوانیم که کلام شما باید محکم و سدید باشد

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ

عمل صالح

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ **کنکورسرا**

بخشش گناهان

تا به برکت های جانبی آن برسید

در متون اسلامی به این آثار جنبی اشاراتی شده است؛

در آیه ای دیگر میخوانیم که به جای انتقام، بدی های مردم را با عمل خوبی از خود دفع کنید

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

کینه و دشمنی بین شما و آن شخص را به دوستی گرمی تبدیل میکند.

فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

در بعضی آیات میخوانیم که در قبال برخی کارهای خیر به برکاتی می رسید و آن اینکه خداوند بدی های شما را به خوبی تبدیل می کند. این نکته که هر کار و نیت ما برکات پیدا و پنهانی دارد و در آیات و روایات بدان اشاره شده است، نیاز به تألیف یک کتاب مستقل دارد.

## سفارش دلسوزانه و استقبال از پیشنهادها

هیچکس نباید خودش را بی نیاز از تذکر و نصیحت بداند.

کسی در تعلیم و تربیت موفق تر است که بر دلش قفلی نباشد.

هم راحت بگوئید، هم راحت بشنود و هم راحت بپذیرد.

قرآن کریم بارها کلمه تَوَاصُوا را به کار برده است:

توصوا

کلمه تَوَاصُوا در قالب باب تفاعل و به معنای آن است که سفارش به نیکی ها باید طرفینی و به صورت یک جریان عمومی باشد، نه یک طرفه.

اوصوا

اما کلمه اوصوا به معنای سفارش کنید! در قرآن نیامده است و این نشان میدهد که تذکر و توصیه مرز خاصی ندارد و همه به آن نیاز دارند و باید طرفین به همدیگر تذکر بدهند.

در قرآن کریم ۳ نوع تواسی بیان شده است:

و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ

در آیه سه سوره عصر آمده است: در مسیر حق بودن کافی نیست، بلکه لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم. جامعه زمانی اصلاح میشود که همه مردم در امر به معروف و نهی از منکر مشارکت داشته باشند؛ هم پند دهند و هم پند بپذیرند.

و تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ

دو بار در قرآن کریم آمده است: یکبار در سوره عصر و بعد از آیه تَوَاصُوا بِالْحَقِّ و یکبار در آیه ۱۷ سوره بلد

و تَوَاصُوا بِالْمَرْحَمَةِ

در ادامه آیه ۱۷ سوره بلد آمده است.

یکی از بایدهای معلمی این است که هم در سفارش و توصیه به دیگران احساس وظیفه کند و محترمانه نکاتی را به همکاران و دیگران سفارش نماید و هم از پیشنهاد های دیگران، چه همکاران و چه دانش پژوهان و مخاطبان بهره بگیرد و خود را بی نیاز نداند.

در مکتاب توحیدی، حتی پیغمبری مثل سلیمان از حیوان کوچکی مثل هدهد پیام میگیرد و ترتیب اثر می دهد.

## انتقادپذیری

استادی موفق و محبوب است که انتقاد مصلحانه را بپذیرد

دعای مکارم  
اخلاق

اللَّهُمَّ وَقِّفْنِي لِبَطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَتَابِعَهُ مَنْ أُرْسَدَنِي.

هیچ انسانی به دور از خطا و اشتباه نیست؛  
زیرا نفس سرکش، انسان را به بدی امر می کند.

وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

مبلغ و معلم باید به انتقادهای گوش دهند؛  
زیرا گوش ندادن به حقایق، صفت کافران کوردل است؛

وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا

آنان گوشهایی دارند که با آن نمی شنوند.

وَإِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ

و هنگامی که به آنها تذکر داده شود، پند نمی گیرند.

امام صادق

أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عَيْبِي

انسان مسلمان به انتقادهای دیگران به دید هدایایی ارزشمند می نگرد.  
در چشم او، کسی که عیوبش را گوشزد میکند، در حقیقت به او هدیه میدهد؛ لذا او را محبوب ترین برادر خود می داند.

## امیدوار و امیدبخش

از وظایف معلم مسلمان، دلگرم بودن و دمیدن روح امید در کالبد دانشجوست. معلمی موفق است که بر اثر امید به وعده های الهی، هم دلگرم باشد و هم امید را به مخاطب خود تزریق کند.

اَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تُبَيِّنْ فِي ذِكْرِي

خداوند تعالی به موسی و هارون میفرماید حرکت کنید و دلگرم باشید و در رسالت من سستی نکنید:

مأیوس کردن دیگران، به تعبیر قرآن کریم، کار شیطان و منافقان

یأس از رحمت خداوند رحیم جزو گناهان کبیره است

امیر المؤمنین فرمودند:

فقیه واقعی و اسلام شناس حقیقی کسی است که مردم را از رحمت الهی ناامید نکند و از گشایش و روح الهی مأیوس ننماید و آنان را از مکر خداوند ایمن نسازد و مغرورشان نکند.

اگر غرب از جریان علمی و پیشرفتهای ما که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمده است، نمی هراسید؛ باید ما را رها میکرد؛

مبلغ و معلم امیدوار، با قدرت و قوت به راه تبلیغ و تعلیم ادامه می دهند، کار را جدی دنبال می کنند و از سستی پرهیز می کنند. همچنین استاد و معلم باید دانش پژوهان خود را به آینده ای روشن امید دهند. **کنکورسرا**

استادی که دائماً از پیشرفت های علمی دانشمندان غربی سخن می گوید و کشور خودش را تحقیر و دانشجویان را برای سفر به خارج تحریک میکند و به جای امید، روح یأس را در آنان می دمد، خیانتکار است.

در حالیکه سراسیمگی غرب بیانگر رشد فزاینده ایران اسلامی است. ما نیز باید به این حقیقت توجه، و در تبلیغ آن تلاش کنیم.

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى

قرآن کریم بارها آینده را از آن مؤمنین دانسته است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ



## قاطعیت در راه حق و نرسیدن از سرزنشها

قرآن کریم در توصیف انبیای الهی که معلمان بشر هستند:

لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ

و از هیچکس جز خدا بیم ندارند.

رسول خدا (ص)

هنگامی که بدعت‌ها در امت مان ظاهر شود، بر شخص عالم است که علم خویش را ظاهر سازد و کسی که چنین نکند، لعنت خدا بر اوست.

آیات قرآن، راه و روش مجرمین و توطئه‌های آنان را افشا می‌کند.

وَكَذَلِكَ نَقُصُّ الْأَيَّاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ

پیامبران خدا  
نیز چنین  
میگردند:

حضرت ابراهیم به خداوند فرمود:

وَقَالَ لِلَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ

به خداوند سوگند که در غیاب شما، نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان خواهم کشید.

حضرت موسی سامری را تویخ نمود و فرمود

کنکورسرا

وَأَنْظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنْهَرِفَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

مبلغ مؤمن و معلم معتقد نیز نباید در راه تبلیغ دین، هراسی از سرزنش‌کنندگان داشته باشد.

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ

در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند.

رسول خدا هنگامی که معاذ را برای تبلیغ به یمن فرستادند، به او فرمودند:

وَلَا تَخَفْ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ

در راه خدا از سرزنش سرزنش‌کنندگان مترس ای معاذ!

معلم و مبلغ واقعی و شجاع، آنجا که لازم باشد با قاطعیت به کفار و معاندان پشت می‌کنند و با صراحت موضع میگیرند.

پیامبر اکرم مأمور شد که در برابر پیشنهاد کفار مبنی بر سکوت حضرت در مقابل کفر آنان در عوض احترام آن‌ها مسلمانان به صراحت بگوید:

لَكُمْ دِينَكُمْ وَلِيَ دِينِ

دینتان برای خودتان و دین من برای من!

چه بسا در محیط آموزشی یا کلاس مواردی پیش بیاید که نیاز به اعلام دیدگاه و نظر دیگران باشد و در این میان، افراد ضعیف و سست عقیده‌ای باشند که موضع بگیرند و حرف‌هایی بزنند؛ در اینگونه موارد، معلم باید بدون ترس از نیشخند و تمسخر و ملامت دیگران، با قاطعیت و متانت و ادب، حرف حق را بگوید.

## داشتن حکمت

من حدود نیم قرن است که معلم هستم؛ اما پدرم یک کاسب درس نخوانده، ولی حکیم بود

روزی در جوانی از او پرسیدم:  
منزل ما گرانتراست یا منازل فلانی؟ ایشان فرمود: هر خانه ای که در آن عبادت خدا بیشتر باشد، گران تر است.

همچنان، روز دیگری از او پرسیدم:  
چرا درختان باغچه میوه نمیدهند؟ گفت: چرا این همه آدم در این خانه میخوانند و نماز شب نمیخوانند؟

امام خمینی علاوه بر آنکه یک مرجع تقلید و سیاست مدار بود، مرد حکیمی نیز بود؛

لذا بعد از تسخیر الهه جاسوسی و گرفتن جاسوسان آمریکایی دستور داد تا یکی از آنان را که سیاه پوست بود آزاد کنند و فرمود: به این نژاد در طول تاریخ ظلم شده است. با این کار حکیمانه، هم سیاهپوستان را شاد، و هم آمریکا را تحقیر کرد.

حکمت در امور آموزشی نقش فوق العاده ای دارد؛ چه مدیریت آموزشی، چه تدریس، چه نحوه ارتباط با دانشپژوهان

یکی از معلمین فرهیخته که در جمهوری اسلامی وزیر شد، تصمیم گرفت تا برای استان کردستان مدیر کل تعیین کند. ایشان در اقدامی حکیمانه، اول به او حکم بازرسی ویژه داد که مدتی در کردستان بماند و در قالب بازرسی از تمام مسائل آموزش و پرورش و مسئولین آگاهی عمیق پیدا کند. همین که اطلاعاتش کامل شد، آن بازرسی ویژه را به عنوان مدیر کل منصوب کرد که آن شخص منصوب نیز بعداً وزیر آموزش و پرورش شد.

مانند  
کنکورسرا

در امور آموزشی نیز گفتار و رفتار و تصمیم حکیمانه ضروری است؛

تنبیه و تشویق

تغافل و تحمل

نگاه تیز تا تبسم

سخت گرفتن و سهل گرفتن

## داشتن حکمت

یکی از وظایف انبیا، آموزش کتاب و حکمت است:

يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

حکمت همتای کتاب آسمانی است و به هر کس عطا شود، خیر کثیر را برای او به ارمغان خواهد داشت

قرآن کریم

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

خداوند حکمت و بینش را به هر کس بخواهد و شایسته ببیند می دهد و به هر کس حکمت داده شود، همانا خیری فراوان به او داده شده است و جز خردمندان از این نکته متذکر نمی گردند.

حکمت را به معنی معرفت و شناخت اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانسته اند. که خداوند به بعضی از افراد پاک و باتقوا و پرتالش عطا می کند تا آنان وسوسه های شیطانی را از الهامات الهی باز بشناسند و چاه را از راه، و شعار را از شعور تشخیص دهند و این خیر کثیر است.

بر اساس روایات، حکمت همچون نوری است که در جان قرار می گیرد و آثار آن در گفتار و حکمت رفتار انسان پیدا می شود. بینش و بصیرتی است که اگر در فقیر باشد، او را در جامعه از ثروتمند محبوبتر می کند و اگر در صغیر باشد، او را بر بزرگسالان برتری می بخشد.

فرد حکیم در مسائل سطحی و زودگذر توقف ندارد؛

توجه او به عاقبت و نتیجه امور است؛

نه نزاع بیهوده ای با بالا دست خود دارد و نه زیردستان را تحقیر میکند؛

سخنی بدون علم و آگاهی نمی گوید و در گفتار و رفتارش تناقضی بافت نمی شود؛ **کنکورسرا**

نعمت های الهی را ضایع نمی کند و به سراغ بیهوده ها نمی رود؛

مردم را مثل خود دوست دارد؛ هر چه را برای خود بخواهد برای آنان می خواهد و هرگز با آنان حيله نمی کند.

دنیاگرایان بر مال و آمار و محاسبات مادی تکیه میکنند و سود و زیان را بر اساس مادیات می سنجند، ولی دوراندیشان عاقل و راه شناسان اندیشمند، از بعد دیگری محاسبه می کنند.

ویژگی فرد حکیم

همچنین در روایات می خوانیم

حکمت، معرفت و تفقه در دین است.

حکمت، اطاعت از خدا، شناخت امام و پرهیز از گناهان کبیره است.

حکمت هدیه ای کلیدی و مادر همه خیرات است

هر که آن را داشته باشد، چیزهای زیادی خواهد داشت

مال و ثروت خیر است، ولی خیر کثیر، داشتن دید و قدرت تشخیص است.

## اهل ذکر باشد

از ویژگی های افراد نخبه و صاحب خرد این است که پیوسته به یاد خدای تعالی هستند و او را مراقب خود می دانند.

از نگاه کتاب آسمانی، نشانه خرد، ذکر خدای تعالی در هر حال است.

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ

خردمندان کسانی هستند که ایستاده و نشسته و خوابیده بر پهلو یاد خدا می کنند.

معلم و استادی که الگوست، باید چون معلمان الهی، اهل ذکر باشد و پیوسته خدای تعالی را در نظر داشته باشد و در زندگی روزمره اش برنامه های منظم معنوی داشته باشد.

بعضی انسانها اهل علم هستند، ولی اهل ذکر نیستند.  
بعضی انسانها اهل ذکر هستند، ولی تحصیلات عالیه ندارند.

امکان ندارد که انسان بدون یاد خداوند تعالی موفق باشد و بتواند در متعلمان رشدی ایجاد نماید.

روزی معماری را برای قیمت گذاری خانه ای میبردم. در بین راه به او گفتم: یک طرف معامله، خانواده شهید است؛ جوری قیمت گذاری کن که به نفع آنها باشد.

علمای بزرگ ما ضمن سختکوشی در علم آموزی و تعلیم و پژوهش، یک برنامه منظم عبادی داشتند و با منطبق و منش توحیدی خود توانستند انسان های بزرگی را تربیت کنند.

او تعجب کرد و گفت: شما که اهل علم هستید، چرا؟  
توقع دارید من جوری قیمت کنم که به نفع علم هستم، اما اهل ذکر نیستم.



## توطئه شناسی

معلم و مربی باید هم از توطئه های بیگانگان آگاه باشند و هم به مخاطبان خود هشدار بدهند.

۱ اول اینکه سایر یهودیان به فکر مسلمان شدن نیفتند و بگویند آنان که صبح مسلمان شدند، شب از دین خود برگشتند!

۱

۲ دوم اینکه روحیه مسلمانان را تضعیف کنند تا با خود بگویند : نکند دین ما ارزشی نداشت و دانشمندان را جذب نکرد؟!

۲

در قرآن کریم آمده است که جمعی از سرشناسان یهود نقشه کشیدند که صبح به پیامبر ایمان بیاورند و غروب از دین او برگردند و بگویند: ما محمد و آیین او را دیدیم، ولی با آنچه در تورات و انجیل آمده است، مطابقت ندارد.

تا با این کار به دو نتیجه برسند.

این طراحی و توطئه از طریق وحی به پیامبر اعلام شد و ایشان آن را برای مردم مطرح کرد تا آماده باشند

بنابراین دشمن حتی با ایمان تاکتیکی و لحظه ای در صدد ضربه زدن است:

باید مصلحین دلسوز و به خصوص اساتید، نسل نورا آگاه کنند

- چه بسا به اسم سمپاشی، قصد تخریب باغها را داشته باشند
- چه بسا به قصد تنظیم خانواده، ما ع تولید نسل بشوند؛
- چه بسا از تولید داروها، اهداف ناپاکی داشته باشند؛ **کنکورسرا**
- چه بسا به اسم جهانگردی، مستشار یا مشاور نظامی، سفرهای تفریحی و علمی، بورسیه های خارجی، مهمانی ها، وامها، قراردادهای... اهداف شومی را دنبال کنند

دشمن که در دل آرزوی کفر ما را دارد، در عمل از هیچ توطئه و نقشه ای خودداری نخواهد کرد که باید نسبت به آنها هشیار بود.

## دشمن شناسی

باید خود و شاگردان خود را با دشمن آشنا کنیم.  
قرآن کریم بارها به مسلمانان در خصوص تحذیر از دشمنان هشدار داده است.

در آیه ای از قرآن کریم در تبیین  
ماهیت خطرناک دشمنان آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدَوًّا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ  
الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

در این آیه بیان شده است که دشمنان خود را بشناسید و هشیار باشید، چراکه آنان ذره ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی کنند؛ و با شگردهای گوناگون در صدد ضربه زدن به شما هستند.

## شگردهای دشمنان

1

فساد

لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا

2

فشار

وَدَوًّا مَا عَنِتُّمْ

3

نفاق

مَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ

## آرزوهای دشمنان

● غفلت از سلاح و سرمایه خود

● ضعف و سستی و مدهانه و سازشکاری

● رنج و فشار و به زحمت افتادن

● ارتداد و بازگشت از دین

وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ

وَدَوًّا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ

وَدَوًّا مَا عَنِتُّمْ

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا

دشمن برای ما چه آرزو می کند؟

اگر واژه ود در قرآن را بررسی کنیم، به  
آرزوهای دشمنان درباره خود پی میبریم:

ضمن آنکه متذکر می شود دوست گرفتن دشمنان ممکن است تاوان سختی داشته باشد و آن اینکه آنان علیه  
ما توطئه کنند؛ بنابراین شما باید اهل صبر و تقوا باشید، تا حيله های آنان ضربه ای به شما نزند.

این آیه در ادامه راه شناخت دوست و دشمن را بیان می کند و آن، توجه به روحیات و  
عکس العمل دیگران در مواقع کامیابی یا ناکامی مسلمانان است؛

علامت دشمن سفرها و لیخندها و قراردادهای و کنفرانسها نیست؛  
بلکه نشانه اش این است که اگر خیری به ما برسد ناراحت میشود.

در همه دوره های زمانی و در همه دوره های تحصیلی، مباحث ما نباید از دشمن شناسی خالی باشد.  
هر کسی که غیرت دینی و ملی دارد، باید در معرفی دشمنان و توطئه های آنان تلاش کند و مخاطبان خود را از  
سوابق استعماری و استکباری دشمنان باخبر نماید

إِن تَمْسِكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن  
تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

## جدی گرفتن هشدارها

استاد و مربی باید همیشه مخاطب خود را امیدوار کند و در کنار امید، خطرها و هشدارهای لازم را بدهد و توجه ویژه به **انذار** داشته باشد؛

چون معمولاً در انسان‌ها انگیزه دفع ضرر قوی‌تر از جلب منفعت است. لذا قرآن بر مسئله انذار تأکید کرده است.

قرآن کریم، پیامبر اکرم را بشیر و نذیر میخواند؛ در عین حال، مکرراً به انذار و اخطار و هشدار ایشان توجه خاص کرده و حتی فرموده است که او مسئولیتی جز هشدار و انذار ندارد.

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

لَا نُنذِرُكُمْ

إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

این در حالی است که عبارت ان انت الا بشیر در قرآن نیامده است.

مسئولیت هشدار به قدری سنگین است که خداوند تعالی در قرآن کریم به جویندگان علوم اسلامی میفرماید: بعد از تقه باید به سوی قوم و قبیله خود برگردند تا آنها را هشدار دهند.

وَلْيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ

بر طلاب حوزه‌ها و همه آنان که در طلب معارف اند دو هجرت لازم است

۱ یکی به سوی حوزه‌ها و مراکز علوم دینی

۲ دیگری از حوزه‌ها به سوی شهرها به قصد هشدار دادن به قوم و قبیله خود؛ هشدار از قهر خدا، هشدار از توطئه دشمن، از غفلت و ضعف‌های خود در یک کلام، دشمن‌شناسی و خطرشناسی

این رسالت خصوصاً در زمان ما اهمیت بیشتری دارد

چراکه جبهه کفر پشت به پشت یکدیگر داده اند و با بهره‌گیری از رسانه‌ها، فضای مجازی، بودجه‌ها، هنرها، مغزها، سفرها، بوق‌ها و تبلیغات، وعده و وعید و تهدید و تطمیع، هر کجا را بخواهند تصرف میکنند و به شرک، کفر، نفاق و ردائل اخلاقی دامن می‌زنند و در یک کلام، بشر را به غفلت از خود، خدا و جامعه تشویق و ترغیب می‌کنند.

## به هدف ایمان داشته باشد

یکی از کارهای لازم، سنجش و خودآزمایی در خصوص مقدار تأثیر علم و خروجی درس هاست

چه خوب است که معلم، هر از چند گاهی، هم خود را با معیارهای قرآنی و روایی بسنجد و هم دانش پژوهان خود را در ترازوی سنجش معارف الهی قرار بدهد

قرآن کریم، نهج البلاغه و روایات بهترین معیار سنجش ما هستند تا بدانیم که نتیجه درس خواندن ها و درس دادن هایمان چیست؟ آیا ثمره علم ما بندگی خدای تعالی، استقامت، رشد روحی، خدمت به مردم و جامعه، حق‌گرای و وظیفه محوری، عدالت خواهی، غیرت دینی، ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم است؟ در یک کلام، آیا نتیجه تعلیم و تعلم تربیت دینی است یا یکسری محفوظات و مدارک؟

معلم موفق، هم خود را در ترازوی سنجش و نقد قرار می دهد و هم معیار ها را به دانش پژوهان خود می آموزد. ما باید همانگونه که روزانه، هفتگی، ماهانه و فصلی، رشد تحصیلی خود را محاسبه می کنیم، رشد معنوی و اخلاقی خویش را بسنجیم و ببینیم که کارنامه آخر سال معنوی ما چگونه است.

با خانواده، همکار، همسایه، مردم، اقلیت های مذهبی و... چگونه رفتار کرده ایم؟

اخلاق

نماز، روزه و باقی اعمالمان چگونه بوده است؟

دینی

در زندگی چه نقشی داشتیم؟ اگر نقشه حرکات ما را نشان دهند، چه تصویری خواهد داشت؟

نقاشی

چه گفتیم؟ چرا نگفتیم؟ چگونه گفتیم؟

زبان

در چه تاریخی چه کردیم؟ در زمان های با ارزش چه کردیم؟

تاریخ

کجا رفته ایم؟ مدرسه فرزندانمان؟ منزل بستگانمان؟ یتیمان و...؟

جغرافیا

طرفدار چه کسی بودیم؟ به چه دلیل؟ وعده ها، شعارها، مقام و مدال ها؟

اجتماعی و سیاسی

کم کاری، خمس، زکات، صدقات و... داشته ایم یا خیر؟

حساب

کمفروشی، گران فروشی، از دست دادن سرمایه عمر و... داشته ایم یا خیر؟

اقتصاد

چه هنری در جذب و رشد نسل جوان داشته ایم؟

هنر

## استفاده از همه فرصت ها و ظرفیت ها

زندگی بزرگان مؤید این حقیقت است که آموزش و تحصیل در هر زمان و مکانی که کمترین ظرفیتی وجود داشته باشد، لازم است؛



از باب نمونه، به این دو مطلب خواندنی توجه بفرمایید:



مؤسس حوزه علمیه قم، آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری، در روزی که بارف سنگینی آمده بود، برای تدریس حاضر شد. شاگردان تعجب کردند که استاد سالمند چگونه در این برف سنگین به درس آمده است.

الف

از او پرسیدند، فرمودند: آیا بازار به خاطر بارف تعطیل است؟ آیا تحصیل ما به اندازه کسب و کار بازار ارزش ندارد؟

آیت الله اعتمادی که از استادان درجه یک حوزه علمیه قم بود، روزی در پایان درس به شاگردانش گفت: مادرم از دنیا رفته است، ولی من درس شما را تعطیل نکردم تا بعد از درس برای تشییع جنازه به منزل بروم.

ب

همان گونه که عبادت، منحصر به مکان و زمان خاصی نیست.  
(اگرچه در مکانهای مقدس و زمانهای خاص افضل است)

علم آموزی و تدریس و تبلیغ نیز نباید منحصر به محیط های علمی و آموزشی یا فقط در زمان حضور در مدرسه و دانشگاه باشد؛ چرا که تعلیم و تربیت، هیچ گاه تعطیل بردار نیست.

از کارهای شایسته ای که اساتید و معلمان محترم می توانند انجام دهند، توسعه ظرفیت های آموزشی و بهره گیری از همه ظرفیت هاست.

تا با توجه به برخی از تعطیلی ها بتوانند در هر زمان و مکانی که امکان مباحثه مسائل علمای و دینی باشد، از آن بهره ببرند و هر چه می توانند مانع شکنی کنند و به پیشرفت و رشد بیندیشند.

در زمان طاغوت از برگزاری کلاس های مذهبی جلوگیری می شد. دکتر بهشتی افرادی را گزینش کرد و در اختیار من گذاشت تا یک دوره کلاسداری برای آنها بگذارم.

آنها مأمور بودند تا در روزهای جمعه، در قالب دید و بازدید فAMILI و بعد از پذیرایی مختصر، کلاسی را که از من دیده اند، برای بستگان نقل کنند.

بدین وسیله کلاس های متعددی ایجاد شد؛ بدون آنکا دولت طاغوت مطلع شود. کنکورسرا

## رعایت استاندارد و تعلیم منطقی

باید آنگونه کلاسداری کنیم و مطالب را انتقال دهیم که دیگر معلمان بتوانند آن را تکمیل کنند؛

نه آنکه کلاسداری ما آنقدر ساده و سطحی و بدون عمق و استدلال و منطقی باشد که استاد دیگر مجبور شود آن را تخریب کند و دوباره بسازد.

همان گونه که اگر ساختمان روی نقشه مهندسی و استاندارد ساخته شده باشد، مهندسین بعدی طبقات فوق آن را می سازند. اگر تعلیم و تربیت استاندارد و منطقی نباشد، اساتادان بعد باید آن اطالعات را تخریب و فعالیت خود را از نو شروع کنند.

اگر حرف، منطقی باشد، نه گوینده پشیمان میشود، نه شنونده و نه استادان بعد

از چیزهایی که آموزش را مطمئن و هدفمند می کند، استفاده از متون آموزشی مطمئن است که توسط مراکز معتبر و بر اساس نظام آموزشی تهیه شده باشند.

در این خصوص متولیان آموزش و مدیران متون آموزشی نقش برجسته ای دارند.

آنها می توانند دوران آموزشی چند ساله را به صورت منظم و منسجم طراحی کنند و با آموزش پلکانی، دانش پژوهان را در سطح لازم آموزش و آگاهی قرار دهند.

### کنکورسرا

مسئولیت معلمان در کلاس های خصوصی معارف دینی دو چندان است؛

چون حتما باید از متون محکم و قوی و از نویسندگان معتبر بهره ببرند تا اساتادان بعدی بتوانند آن آموزش ها را تکمیل کنند.

## قالب سازی، نه قالب پذیر

اگرچه نظر خواهی و مشورت، امر پسندیده ای است، اما هر نظر و مشورتی مورد پذیرش نیست. گاهی بنا به دلایلی نمیتوان از جمع و محیط تبعیت کرد، بلکه لازم است با شهامت قدم برداشت و اقدامی نمود؛

لذا معلم با تجربه کسی است که قالب ساز باشد؛ نه قالب پذیر

بسیارند کسانی که با شعار خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو در طول عمرشان قدمی یا کلامی خلاف مسیر عموم بر نمی دارند و در هیچ موردی خط شکن و قالب ساز نیستند؛ بلکه همیشه قالب پذیرند و به اصطلاح، نان را به نرخ روز می خورند و به هر سمت و سویی که باد می آید، متمایل میشوند.

انبیا و اولیای الهی از این گروه بودند؛

- در مرکز بتپرستی، علیه بت قیام کردند
- در برابر فرعون، می ایستادند و فضا و قالب حاکم بر جامعه را شکستند، **کنکورسرا**
- در برابر رژیم بنی امیه تسلیم نمیشدند،
- نزد هر کسی سر خم نمیگردند و زیر سم اسب میرفتند، ولی تن به ذلت نمیدادند.

در مقابل این افراد، افرادی هستند قالب ساز و خط شکن که هیچ نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی، مانع تصمیم بر حق آنان نمی شود و به قول قرآن

**لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ**

جمعی از سالمندان بازار از استادی خواستند که در جشنی به مناسبت تولد حضرت زهرا سخنرانی کند.

استاد به آنان گفت: به جای اینکه من برای پیرمردهای بازار راجع به حضرت زهرا صحبت کنم، شما بازاریان یک کتاب کوچک درباره زندگی آن حضرت تهیه و میان دختران بخش کنید و بر اساس آن، یک مسابقه کتابخوانی تشکیل دهید و جوایز آن را بپردازید که با این کار، دختران با زندگی حضرت زهرا آشنا می شوند و این کتاب در خانه آنان میماند و شما هم با پرداخت هزینه خرید کتاب و جایزه، به پاداش نیکو می رسید.

کوتاه سخن آنکه بازاریان خواستند او را در قالبی ببرند؛ ولی استاد با لطف خداوند قالب جدیدی ارائه داد.

معلم باید در انتخاب موضوع و مخاطب قالبساز باشد، نه قالبپذیر.  
در این خصوص به ایان خاطره توجه نمایید:

## آشنایی با مشکلات دیگران

اگر انسان فقط به مشکلات خود توجه کند، ناراحت و گلیه مند و بی نشاط میشود؛ اما اگر نیم نگاهی به مشکلات دیگران داشته باشد، ظرفیت او بالا، روح او بزرگ و در برابر مشکلات مقاوم تر میشود.



فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ

قرآن به پیامبرش می گوید: مقاومت و صبر داشته باش، کما اینکه پیامبران اولو العزم دیگر صبر کردند:

وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَيَّ مَا كَذَّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَنَاهُمْ نَصْرُنَا

همچنین در این کتاب الهی میخوانیم که تمام انبیاء از سوی برخی مردم تکذیب شدند:

کنکورسرا



إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و همه آنها مورد استهزاء قرار گرفتند:

چراکه علما و دانشمندان ما هم در تعلیم و تدریس و هم در پژوهش و تحقیق تلاش های کمر شکنی کرده اند و در زندگینامه و خاطرات آنان، بخش هایی از این تلاش ها و صبرها آمده است.

برای همه معلمان محترم آشنایی با این اسوه های تعلیم و تربیت امری ضروری است.

آشنایی با مقاومت و صبر دیگران، برای انسان مایه تسلی و دلداری است، به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت؛



## آشنایی با فرهنگ و گویش مخاطبان

آشنایی با فرهنگ و ادبیات و ضرب المثل های مخاطبان ، یکی از کارهای شایسته برای برقراری ارتباط بهتر و انتقال آسان تر مفاهیم است.

از آنجاکه شیطان در فرهنگ مسلمانان به موجودی زشت و بدذات و خبیث گفته می شود، در این آیه ی فرماید: شکوفه های درخت زقوم به جای آنگاه زیبا و دلربا باشد، گویا سرهای شیطان است.

همچنین در فرهنگ مردم فرشته مظهر خوبی و کرامت است؛ تا آن جا که زنان مصر در ستایش یوسف گفتند:

إِنَّ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

آنگاه که شتران باردار به حال خود رها شوند

عشار جمع عشاء و به معنای شتر حامله ده ماهه است که نزد عرب، با ارزش ترین اموال محسوب می شده است. همین شیء با ارزش، هنگام بروز علائم قیامت، بی صاحب می ماند و کسی به فکر آن نیست.

قرآن کریم در جایی دیگر برای توصیف صحنه قیامت میفرماید:

مثلا قرآن کریم زقوم را پذیرایی و خوراک گناهکاران در جهنم معرفی کرده است.

کنکورسرا

زقوم گیاه زهرداری است که در بادیه ها می روید و اگر برگش کنده شود از جای آن شیره ای بیرون می آید که به هر جای بدن برسد ورم می کند.

قرآن کریم در توصیف این درخت می فرماید:

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ← خوشه ها و شکوفه های آن مانند سر شیطان است